



جلوه ای از خشم مردم نسبت به اعدامهای رژیم!

بدینال اعدام وحشیانه دو برادر به نامهای عبدالله و محمد فتحی به اتهام دزدی مسلحانه در زندان مرکزی شهر اصفهان توسط دژخیمان جمهوری اسلامی، مراسم سوگواری و تدفین آنها توسط خانواده و مردم شاهین شهر، به جلوه ای از اعتراض بر علیه حکومت تبدیل شد. صد ها تن از مردم شهر و بویژه جوانان، تابوت های این دوجوان را بر سر دست گرفته و با نواختن طبل و سنج و سردادن ترانه -سرود "دایه دایه وقت جنگه" و شلیک گلوله

های هوایی (برسم هموطنان بختیاری) نمایشی رزم طلبانه براه انداختند. در برخی لحظات این تشییع جنازه که با دست زدن، سینه زدن و هلهله راه پیمایان همراه بود شعار های "مرگ بر این رژیم" و "مرگ بر خامنه ای" هم شنیده شد که پژواک گر بانگ عظیم نفرت توده ها از مقامات جمهوری اسلامی و کلیت نظام فرتوت آنها می باشد. در این مراسم، در زیر چتر حمایت مردمی، بستگان دو جوان اعدام شده هریک به گونه ای صدای اعتراض خود را بر علیه جلادان حاکم بلند کردند و مادر آنها نوید "رفتن آخوند ها" پس از مرگ فرزندان را داد. او همچنین در اعتراض به اعدام دو پسر خود ضمن گفتن این که همه یک بار می میرند و فرزندان من هم یک بار می میرند، با نام بردن از ولی فقیه، یعنی خامنه ای جنایتکار و اعضای مجلس ضد خلقی و نهاد های سرکوبگر و کارگزاران مزدور، آنها را افرادی خواند که روزی صد بار می میرند. به این ترتیب مراسم سوگواری به بستری برای فریاد دل سوخته بستگان و مردم شرکت کننده در این مراسم، بر علیه حکومت دار و شکنجه جمهوری اسلامی و قداره بندان اش بدل شد.

همه می دانند که در طول ۳۲ سال گذشته جنایت و سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام جزء لاینفک حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی با تمامی دار و دسته های درونی آن بوده است. این نیز واقعیت روشنی ست که در ماه های اخیر، ماشین اعدام رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در هراس از انفجار دوباره خشم و نفرت توده ها با سرعتی فزاینده به کشتار و اعدام زندانیان، چه سیاسی و چه غیر سیاسی، در سطح جامعه دست زده تا با حاکم کردن جو ارباب و اختناق، حیات ننگین خود را هر چه بیشتر فزونی بخشد. موج شدید اعدام در شهر های سراسر کشور و اعدام صد ها نفر در ماه های اخیر در پاسخ به این نیاز ضد خلقی صورت می گیرد. در چنین شرایطی عکس العمل مبارزاتی مردم شاهین شهر به اعدام محمد و عبدالله فتحی، شکستی برای رژیم در تحقق اهداف سرکوبگرانه اش بوده و رسوایی بیش از پیش آن را به نمایش گذارد.

رویداد اخیر در شاهین شهر و تعمق در چگونگی واکنش مردم به اعدام این دوجوان، پرده از یک واقعیت برجسته یعنی وضعیت ملت به ناپایدار جامعه تحت سلطه ما که انعکاسی از تشدید تضادهای طبقاتی در آن می باشد، بر می دارد. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در دفاع از منافع سرمایه داران زالو صفت و اربابان جهانبیش در طول بیش از سه دهه، تسمه از کرده کارگران و توده های تحت ستم ماکشیده، رژیمی که با سیاستهای ضد خلقی اش، بیش از نیمی از آحاد جامعه را به زندگی در زیر خط فقر محکوم کرده و رژیمی که برای سرکوب کامل جنبش انقلابی در سال ۸۸ و خفه کردن هرگونه صدای مقاومت و مبارزه، در وسعت تمام کشور بساط شکنجه و چوبه های دار بر پا کرده است، امروز در شرایطی قرار دارد که به دلیل شدت و وسعت تضادهای طبقاتی در جامعه قادر نیست علیرغم همه اعمال جنایتکارانه اش مردم مبارز ما را به تمکین واداشته و سکوت قبرستانی بر جامعه ایران حاکم گرداند. برعکس توده های جان به لب رسیده ایران در هر فرصتی خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم سرپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی نشان داده، عملاً به مبارزه با این رژیم دست زده و حتی با نواختن سرودهای رزمی به آن اعلان جنگ می دهند.

طنین اندازی ترانه رزمی "دایه دایه وقت جنگه" و مجموعه برخوردهای رزمجویانه در مراسم خاکسپاری محمد و عبدالله فتحی، به هیچوجه یک امر اتفاقی نیست. این از یک طرف انعکاس رشد شدید نفرت و خشم توده ها از رژیم و مقابله با حکومتی است که شمشیر ها را دیگر بار از رو بسته و از طرف دیگر بیانگر پی ثباتی وضع ظالمانه کنونی و شکنندگی شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی می کوشد آن را به طور مذبحخانه با کمک های عملی و پشتیبانی اربابان امپریالیست اش، همچنان حفظ نماید.

تاریخ سلطه جمهوری اسلامی نشان داده تا این دیکتاتوری لجام گسیخته بر سر بر قدرت است، زندان و شکنجه و اعدام نیز برقرار بوده و تنها راه رهایی از این وضع جنایتبار تلاش دو چندان برای سرنگونی این رژیم و نابودی همه آن روابطی است که استبداد و زور و خفقان را هر روزه باز تولید می نمایند، یعنی روابط سرمایه داری وابسته در ایران که تنها با قطع هرگونه نفوذ امپریالیسم از جامعه ما امکان پذیر است.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب!

چریکهای فدایی خلق ایران - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰